

کشتار

«ژینا» ها،

قهر سبانه

سرمایه برای

بقا



////////////////////////////////////

کارگران ضد سرمایه داری / شهریور ۱۴۰۱

////////////////////////////////////

قتل دهشت زای مهسا «ژینا» توسط ماشین کشتار رژیم اسلامی سرمایه، موج خشم و قهر صدها میلیون انسان را در سراسر جهان به طغیان آورده است. صدای عصیان و خیزش در نقطه، نقطه جهنم سرمایه داری ایران بلند است، در سقز، سنندج و شهرهای دیگر کردستان صداها بلندتر، پرطنین تر، پرخروش تر است. واکنشها شکوهمند است معضل آنست که شکوه اعتراضات، وسعت طغیان ها، عظمت شورش ها، به تنهائی علاج درد نیست، ژیناها کشته می شوند تا نظم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی سرمایه داری تأمین و تضمین گردد، تا سرمایه داری باقی ماند. رژیم درنده اسلامی ژیناها، افکاریها، کارگران عاصی معترض در خیابانها را تسلیم جوخه مرگ می کند، زنان طبقه کارگر را به جرم زن بودن آماج وحشیانه ترین تهاجمات قرار می دهد، زیرا برای تحمیل گرسنگی، فقر، فلاکت، بی سرپناهی، بی بهداشتی، بی داروئی و بی

درمانی محصول سرمایه داری، بر توده کارگر، نیازمند ایجاد رعب و وحشت است، رعب و وحشتی که پاسدار بقای سرمایه داری باشد، سد راه طغیان روزافزون کارگران و جنبش کارگری شود، پیکار توده های کارگر را از سر سرمایه رفع کند. کشتار ژیناها، افکاری ها، شرکت کنندگان در خیزش های هر ساله و هر ماهه، آپارتاید جنسیتی قرون وسطائی، همه و همه این هدف شوم را دنبال می کند، همه این بربریت ها انجام می گیرد تا سیل پرخروش مبارزات کارگران علیه شدت استثمار سرمایه داری، علیه آنچه سرمایه بر سر انسانها می آرد، از خروشیدن، بالیدن، سازمانیابی شورائی و تعمیق ضد سرمایه داری باز ماند، هدف کشتارها، رعب آفرینی ها، زن ستیزی ها، این است و دقیقاً به همین دلیل کارزار ما علیه این جنایت ها نیز باید شیرازه هستی و بنیاد بقای سرمایه داری را هدف گیرد. همه بخش های بورژوازی از راست تا چپ، دینی تا لائیک، جمهوری خواه تا سلطنت طلب، می کوشند که چنین نشود، همه با تمامی قوا تلاش می کنند، تا موج اعتراض توده عاصی را در بهترین حالت در نوعی رژیم ستیزی سترون، شکست آمیز، مثله و مدفون سازند، همه می خواهند بر دریای خون ژیناها سفینه تسخیر قدرت رانند. همه اپوزیسیونهای منحط و رسوای

بورژوازی از رضا پهلوی و وراث درنده ترین دیکتاتوریهایی بشرکش سرمایه داری تا اصلاح طلبان سابق و لاحقی حکومتی، غیرحکومتی تا احزاب ناسیونالیست راست و چپ کرد تا رفرمیسم چپ نمای سرنگونی طلب خارج از مدار پیکار ضد سرمایه داری همه در این مسیر گام بر می دارند، همه به خود اجازه می دهند چنین کنند، زیرا طبقه کارگر ایران، طبقه ژیناها، ستارها، دختر آبی ها، افکاریها، طبقه خیزش سازان دی و آبان، طبقه راه انداز ۴۰۰۰ و ۶۰۰۰ اعتصاب سالانه، آماده خروج آگاه، متحد، سازمان یافته، میداندار و ضد سرمایه داری نیست. بی نهایت قابل فکر است که بار اعتراض یکسره بر دوش توده کارگر است، جمعیت چند صد هزار نفری معترض سنندج علی العموم کارگرند، معترضان دهها هزار نفری سقز و میلیونی کردستان کارگران و جوانان خانواده های کارگری هستند، اردوی اعتراض را توده کارگر تشکیل می دهد، اما این جمعیت میلیونی و چندین میلیونی کارگر حاضر نیست با نام خویش، با کیفرخواست رادیکال طبقاتی خود، با بیرق ضد سرمایه داری خود وارد میدان شود، حاضر نیست چنین کند و لاجرم به کرکسان زشت مردارخوار، به سلطنت طلبان، اصلاح طلبان، ناسیونالیسم کرد و دیگران فرصت می دهد تا خون ژیناها، افکاری ها، دختر آبیها و ستارها را وثیقه تسویه حساب های شوم ضد کارگری خود سازند. اعتصاب عمومی علیه کشتار ژیناها، علیه آپارتاید جنسیتی رژیم اسلامی بورژوازی باید توسط ما کارگران اعلام گردد، مائیم که باید بیرق تعطیل چرخه کار و تولید را در همه جا، در سراسر جهنم سرمایه داری به اهتزاز آریم.

رژیم درنده اسلامی ژیناها،

افکاریها، کارگران عاصی

معترض در خیابانها را تسلیم

جوخه مرگ می کند، زنان

طبقه کارگر را به جرم زن

بودن آماج وحشیانه ترین

تہجمات قرار می دهد، زیرا

برای تحمیل گرسنگی، فقر،

فلاکت، بی سرپناهی، بی

بهداشتی، بی دارویی و بی

درمانی محصول سرمایه

داری، بر توده کارگر، نیازمند

ایجاد رعب و وحشت است،

رعب و وحشتی که پاسدار

بقای سرمایه داری باشد،

سد راه طغیان روزافزون

کارگران و جنبش کارگری

شود، خطر پیکار توده های

کارگر را از سر سرمایه رفع

کند.